

جامعه‌پذیری از طریق ورزش

❖ شهناز صداقت‌زادگان، عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور

چکیده: عضویت افراد در تیم‌های ورزشی، سبب مرور و تمرین ارزشها و هنجارهای اجتماعی می‌شود. این امر، تقویت همبستگی اجتماعی را فراهم می‌آورد. از نظر نیکسون و فرای؛ دو اندیشمند جامعه‌شناسی ورزش، حاصل جامعه‌پذیری از طریق ورزش، یادگیری و شکل‌گیری باورها، نگرشها، بهبود مهارتها و جامعه‌پذیری نقشها و هویت جنسی است. این آموخته‌ها به زمینه‌های دیگر زندگی ورزشکاران قابل انتقال است و موجب می‌شود که در زمینه‌های دیگر حیات خود نیز در فعالیتهای گروهی و جمعی به صورت موفقیت‌آمیزی عمل کنند. به عبارت دیگر، آموزه‌های تربیتی کسب شده در فعالیتهای ورزشی به موقعیتهای دیگر زندگی ورزشکار منتقل می‌شوند. در این مقاله، انجام کار تیمی و گروهی علمی به مثابه شاخص جامعه‌پذیری از طریق ورزش مورد مطالعه قرار گرفته است. تحلیل محتوا و مقایسه مجله‌های تخصصی دو گروه نویسندگان و محققان ورزشکار و غیرورزشکار، شامل ۱۱۴ مجله حاوی ۹۳۱ مقاله تولید شده در دهه ۷۰ و ابتدای دهه ۸۰ هجری شمسی بررسی شده است. نتیجه تحلیل بین تولیدات علمی دو گروه ورزشی و غیر ورزشی از نظر میزان هم‌پژوهی و کار علمی گروهی تفاوت معناداری را نشان می‌دهد. دانش‌آموختگان تربیت بدنی اعم از دکتر و فوق‌لیسانس، در تولید علمی گروهی موفق‌تر از دانش‌آموختگان رشته‌های علوم اجتماعی و اقتصاد هستند. از نظر جنسیت نیز، زنان دانش‌آموخته رشته‌های ورزشی در انجام کار گروهی علمی موفق‌تر از زنان دانش‌آموخته رشته‌های علوم اجتماعی و اقتصاد عمل می‌کنند.

مقدمه

هویت اجتماعی شرط لازم زندگی است و ناشی از عضویت در گروه‌های متفاوت است. تا پیش از عصر مدرن و گسترش وسایل ارتباط جمعی، هویت اجتماعی افراد در فرایند جامعه‌پذیری و در چارچوب گروه‌های چون خانواده، خویشاوندان و همسایگان صورت می‌گرفت. اما در حال حاضر، با گسترش گروه‌های متنوع که به فرد فرصت عضویت می‌دهد، جامعه‌پذیری از دایره محدود و بسته پیرامون فرد به گستره وسیع‌تری از گروه‌های داوطلبانه انتقال یافته است. گروه‌های ورزشی و عضویت یا ارتباط با آنها، فرصت دستیابی به جامعه‌پذیری را فراهم می‌آورد؛ جامعه‌پذیری خاصی که فراتر از نزدیکان نسبی و سببی فرد است. تنوع عضویت فرد در گروه‌های داوطلب غیرخویشاوند، سبب مرور و تمرین گروهی ارزشها و هنجارهای اجتماعی می‌شود و تقویت همبستگی و انسجام اجتماعی را فراهم می‌آورد (۳).

نقش تربیتی عضویت در گروه‌های ورزشی و اهمیت آن از نظر سایر کارکردهای اجتماعی، «انجمن جامعه‌شناسی آمریکا» را بر آن داشت تا برای نخستین بار در سال ۱۹۷۱، به بررسی موضوع ورزش از دیدگاه جامعه‌شناسی بپردازد (۸). هرچند اشتیاق‌تر^۱ در سال ۱۹۱۰ اثر فرهنگ را بر ورزش و سال ۱۹۲۱، اچ. راینز^۲ اثر جامعه‌شناسی ورزش را خلق کرد، اما محافل دانشگاهی تا دهه ۷۰ قرن بیستم به پژوهش در مطالعات اجتماعی رو نیاوردند. تنها از آن زمان به بعد آثار لوشن (۱۹۵۹)، سوتون-اسمیت^۳ (۱۹۶۲)، کنیون-لوی^۴ (۱۹۶۵)، ایرباخ^۵ (۱۹۶۴)، سیج^۶ (۱۹۷۰) و دانینگ^۷

عصری که هر روز با شتاب بیشتری به سمت صنعتی شدن و غلبه نظام سرمایه‌داری و در نتیجه، کاهش روزافزون پیوندهای اجتماعی، بی‌هویتی، انزوا، انفعال و از خود بیگانگی پیش می‌رود، دغدغه فیلسوفان اخلاق، جامعه‌شناسان و مصلحان اجتماعی شده است که با یافتن فرصتهایی بتوانند پیوندهای اجتماعی گسسته شده حاصل از این تحول را مجدداً به جامعه بازگردانند. فضاها و فعالیتهای ورزشی یکی از پدیده‌های اجتماعی است که برای جبران ضعف همبستگی اجتماعی تمدن صنعتی، امید زیادی بدان بسته شده است. استادیوم‌های ورزشی و حتی پارک‌هایی که افراد مکرر یکدیگر را می‌بینند، به واقع پلی است که افراد را درگیر اجتماع^۱ می‌کند. فرد در این اجتماع دارای جایگاهی می‌شود که خود را با آن جایگاه باز می‌یابد یا به عبارت دیگر، احساس هویت می‌کند. تحقیقات نشان می‌دهند که ورزش منبع هویت و انسجام اجتماعی است، به نحوی که اعضای یک تیم ورزشی خود را به جا «من» بیشتر «ما» خطاب می‌کنند. فرد با مشارکت در فعالیت ورزشی احساس هویت، تعلق، غرور و برخورداری از روابط صمیمانه می‌کند. حتی برخی از والدین ورزشکاران، زندگی خود را در اطراف زمینهای بازی می‌گذرانند و اعتراف می‌کنند که با این راه آنها نیز هویت کسب می‌کنند (۸). به همین سبب، ورزش و تصویرهای ورزشی امروز بخش فراگیر زندگی روزمره شده است. مردم سراسر دنیا هنگام کار در کارخانه، ملاقاتها، سر میز شام و غیره درباره ورزش صحبت می‌کنند. در واقع، هویت بسیاری از افراد از طریق ورزشکار بودن یا حداقل هواداری از یک تیم ورزشی کسب می‌شود. ورزش، گاه مهمتر از عاملهای هویت‌آفرینی چون تحصیلات، شغل یا خانواده به فرد هویت می‌دهد (۷).

1. Community
2. Steinitzer
3. H.Risse
4. Sotton - Smith
5. Kenyon - Loy
6. Erbach
7. Sage
8. Duning

هماهنگ کند. کارگزاران جامعه‌پذیری نیز عبارتند از: پدر، مادر، خواهران، برادران، معلمان، مربیان و همسالان. روش تحقیق، فرایند مذکور نزد کارکردگرایی هم همراه با روشهای کمی و بهره‌گیری از پرسشنامه است (۸).

اما تفاسیر تضادگرها از جامعه‌پذیری، تداوم روابط موجود، بی‌عدالتی و نابرابری است. از طریق جامعه‌پذیری، طبقات مسلط می‌توانند برتری خود را بر طبقات تحت سلطه اعمال کنند. روابط طبقاتی به وسیله ورزش از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند. ورزش، اعضا را برای تشکیل نیروی کارآمد آماده می‌کند و همچنین، تقسیم کار، رهبری اقتدارگرا و انجام نقشهای تخصصی را نیز به اعضا می‌آموزد (۱۲). در این رویکرد، فرایند جامعه‌پذیری از طریق ورزش به نیازهای سرمایه‌داری خدمت می‌کند. افرادی که دازای قدرت اقتصادی هستند، از آن برای حفظ امتیازات خود استفاده می‌کنند (۸). با وجود این، می‌بینیم که شرکت در فعالیتهای ورزشی از طرف جامعه تشویق می‌شود. نگرش منفی نسبت به ورزش تا کنون نتوانسته است، از ارزشمندی ورزش برای ایجاد خوی شهروندی بکاهد (۱۲).

رویکردهای جدید سعی می‌کنند که نظریه‌های کنش متقابل و انتقادی را برای بررسی جامعه‌پذیری در ورزش ترکیب کنند. اینان روشهای کیفی چون مصاحبه و مشاهده میدانی را بر روشهای کمی ترجیح می‌دهند (۸).

جامعه‌پذیری از طریق ورزش

نیکسون و فرای، متخصصان جامعه‌شناسی ورزش، بین دو مفهوم «جامعه‌پذیری در ورزش» و

۱. علت تأخیر پژوهش و مطالعات اجتماعی در زمینه ورزش، تصورات حاکم بر اذهان مربیان و معلمان است که معتقدند، پژوهش اجتماعی ورزش بی‌فایده است و در بهبود و ارتقای عملکرد ورزش عمل‌نقشی ندارد (انورالخولی، ۱۵)

2. Socialization Through sport
3. Socialization into sport

(۱۹۷۱) منتشر شد و کوششهای مشترکی در راه پی افکندن شالوده‌های نظری و تجربی صورت گرفت^۱ (۱). در این مقاله، با توجه به هدف تربیتی مورد نظر، یکی از موضوعات مشترک بین اندیشمندان و نظریه‌پردازان علوم ورزشی و جامعه‌شناسی، با عنوان «جامعه‌پذیری از طریق ورزش»^۱ پیگیری می‌شود. آیا جامعه‌پذیری از طریق ورزش که نشانه آن همبستگی و پیوند گروهی و اجتماعی بیشتر است، در قلمرو و فعالیتهای علمی و تولید این دانش نیز قابل مشاهده است؟ معمولاً، دانشجویان رشته تربیت بدنی بنا به ماهیت رشته در سالن ورزش به طور دسته‌جمعی به انجام تمرینهای بدنی هماهنگ و موزون می‌پردازند و در قالب تشکیل تیم‌های کوچک با توپ و سایر وسایل ورزشی به تمرین می‌پردازند. عملکرد مطلوب تیمی مشروط به همکاری دسته‌جمعی و حمایت از عملکرد یکدیگر است. همکاری مقوم همبستگی گروهی برای کسب هدفهاست. تحقیق حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که آیا همبستگی گروهی از میدان تمرین ورزشی در دوران آموزشی و دانشجویی، به مرحله پس از فارغ‌التحصیلی و انجام کار علمی نیز ادامه می‌یابد؟ پس از مروری بر رویکردهای نظری، سؤال مذکور مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

مرور رویکردهای نظری

سیچ معتقد است که با وجود گذشت بیش از یک قرن بحث و جدل در علم جامعه‌شناسی، این حوزه هنوز یک رویکرد چند پارادیمی است (۱۳). در مورد تأیید مشارکت در فعالیتهای ورزشی بر حیات اجتماعی به طور کلی و بالاخص جامعه‌پذیری، هریک از رویکردهای نظری جامعه‌شناختی به گونه‌ای نگریسته است.

مفهوم جامعه‌پذیری از طریق ورزش از مفاهیم مکتب کارکردگرایانه است. جامعه‌پذیری فرایندی است که از طریق آن فرد قادر می‌شود، خود را با جامعه

که تا دانشگاه نیز ادامه یافت.

سازگاری حاصل از اجتماعی شدن تا حد زیادی به ماهیت و موقعیتهای ارتباطات اجتماعی نسبت داده می‌شود که در چارچوب گروههایی که فرد از آنها گذر می‌کند و افکارش را از آنها می‌گیرد، صورت می‌پذیرد. ژان پیازه حرکتهای بدن را اساس شناخت می‌داند؛ شناختی که از دوران کودکی آغاز میشود و ابزاری بنیادین برای شناخت و کشف جهان پیرامون در اختیار فرد قرار می‌دهد.

برونو، پیشاهنگ روان‌شناسی شناخت، نیز حرکت و بازی را یکی از وسایل رشد عقلی و ذهنی دوران کودکی می‌داند. او این رهگذر را رهگذری فرهنگی می‌داند.

سونون و اسمیت به نقش بازی در رشد حاکمیت ارادی می‌پردازند. بازی، قابلیت فرد را برای سیطره بر محیط پیرامون رشد می‌دهد. کسب حسن مالکیت از طریق بازی باعث می‌شود که فرد نتایج معینی را که علت آنها، رفتار خود او در بازی است، انتظار داشته باشد، زیرا «خود» او از حاکمیت رفتار حسی و قید و بندهای تحمیل شده بر او آزاد می‌شود. در بازیها، قدرت و توانایی فرد بر به کارگیری و مهار رفتارهای خویش بیشتر می‌شود (۱). هرچند جامعه‌پذیری مربوط به دوران کودکی است، اما با ورود به یک موقعیت اجتماعی، نقش اجتماعی جدید یا محیط فیزیکی جدید نیز رخ می‌دهد. در جامعه‌پذیری حتی ممکن است که تعریفهای جدیدی جایگزین تعریفهایی شود که فرد هنگام بلوغ یا کودکی به دست می‌آورد (۱۲).

برنشتاین سازوکار جامعه‌پذیری از طریق ورزش را حاصل قواعدی می‌داند که یک تیم ورزشی مانند تیم «کریکت» باید از آنها تبعیت کند. تیم ورزشی، گروه ساختار یافته‌ای است که اعضایش یکدیگر را خوب می‌شناسند. چنین گروههای ساختار یافته، به

«جامعه‌پذیری از طریق ورزش» تفاوت قائل شده‌اند. اولی، یادگیری مهارتهای ورزشی از طریق مشارکت در فعالیتهای ورزشی، روابط و شبکه‌هاست. دومی، یادگیری و شکل‌گیری باورها، نگرشها، شخصیت، بهبود مهارتها، درک از خود و همچنین بهبود ویژگیهای روانی عمومی و جامعه‌پذیری نقشها بر اثر مشارکت در فعالیتهای ورزشی است. از طریق فعالیتهای ورزشی، هویت جنسی و نقشها آموخته می‌شود. میزان هویت جنسی و یادگیری نقش، بر اساس نوع و میزان درگیری در فعالیت ورزشی متفاوت است. این آموخته‌ها به زمینه‌های دیگر زندگی افراد ورزشکار هم قابل انتقال است و باعث می‌شوند که ورزشکاران بتوانند برای مشارکت در زمینه‌های دیگر زندگی نیز به شیوه موفقیت‌آمیزی عمل کنند. نظر دیگری می‌گوید، جامعه‌پذیری از طریق ورزش به افراد یاد می‌دهد که چگونه می‌توان با اقتدار با بزرگسالان خارج از محدوده خانه و خانواده ارتباط برقرار کرد (۱۲).

فرآیند جامعه‌پذیری

فرآیند جامعه‌پذیری، فرآیندی است که فرد را در تمام طول زندگی برای یک هویت اجتماعی و درک معنا از خودشان یاری می‌دهد. جامعه‌پذیری نیازمند درونی کردن تجربه‌های دیگران به خصوص افراد مهم هستند. این افراد، والدین، مربیان و دوستان صمیمی هستند که بدون نیاز به تفکر، همسو با انتظاراتشان عمل می‌شود.

آنچه توجه سیخ را جلب کرد، نقش و نفوذ عمیق مربی، هم‌تیمی‌ها و دوستان در فعالیت ورزشی بر ورزشکاران بود. نفوذ مربی تا بدان جاست که می‌تواند نگرشها و رفتار ورزشکاران را قالب دهد. وی خود از نزدیک شاهد درونی شدن ارزشها و هنجارها هنگام مشارکت در فعالیتهای ورزشی از دوران دبیرستان بود

می‌آموزند که به دیگران بها دهند، پیشنهاددهنده باشند، مسائل را حل کنند و با یکدیگر کار کنند. فردی که خود را متعلق به یک تیم ورزشی می‌داند، مسئولانه‌تر عمل می‌کند. اساس کنش متقابل اجتماعی در ذات فعالیت فیزیکی است (۱۱).

هدی مزینی به همین مقایسه بین دانشگاه تربیت معلم و دانشگاه علوم پزشکی پرداخت. نتیجه نشان داد که عموماً ورزشکاران کمتر افسرده هستند، اما دانشجویان رشته پزشکی نسبت به دانشجویان دانشگاه تربیت معلم افسردگی کمتری نشان دادند. علت می‌تواند تعداد واحدهای علمی دانشگاهی خاص رشته پزشکی در دوران دانشجویی باشد. زیرا واحدهای عملی در دوران انترنی، همچون تیم ورزشی فرصت با هم بودن، تقویت حس هویت و انسجام را فراهم می‌آورد (۵). هویت جنسی یکی از نشانه‌های دیگر جامعه‌پذیری موفق به شمار می‌رود. دیویس و دلانو (۱۹۹۲) از طریق تحلیل محتوای تبلیغ رسانه‌ها در مورد مضرات مصرف دارو در ورزشکاران متوجه شدند که رسانه‌ها بر تأثیر و عوارض سوء داروها بر خصوصیات جنسیتی زنان و مردان تأکید دارند که از تفاوت جنسی زن و مرد می‌کاهد. این امر نشان از هویت جنسی قوی است که ورزشکاران از آن برخوردارند و نزد خود آنها اهمیت دارد. بنابراین، برای جلوگیری و کاهش استفاده از این داروها، دستگاه‌های تبلیغاتی به خطر تهدید این هویت توسط داروها متوسل می‌شوند (۱۲).

صدیق سروستانی در پژوهشی با نام «هم‌پژوهی و هم‌نویسی در ایران» با مقایسه آمار و ارقام مربوط به تولیدات علمی که به صورت گروهی انجام گرفته است، نتیجه می‌گیرد که تحقیقات گروهی در ایران ناچیز است. وی با

منظور ایجاد هماهنگی بین اعضا برای دستیابی به هدفهای خود قواعد محدودکننده‌ای برقرار می‌کنند. چون قواعد به صورت واحدهای فشرده شده و آماده در دسترس افراد قرار دارند، پس فرآیند ارتباط سهولت می‌یابد. این قواعد، آن دسته از الگوی ارزشهای معینی را مطرح می‌کند که تقویت شده‌اند و اعضا هنگام فعالیت فرصت می‌یابند، ساختار گروه و هنجارهای خاص آن را در فرایند کنش متقابل درونی کنند (۹).

مارتینز به متغیرهای واسطی اشاره می‌کند که بین مشارکت در ورزش و متغیرهای اجتماعی قرار می‌گیرند و این ارتباط را ممکن می‌سازند. ورزش، آمادگی جسمانی در پی دارد و نیازهای هر دو جنس زن و مرد، مانند سلامت و عزت نفس را تأمین می‌کند. معمولاً ورزشکاران تحت مراقبت هستند که دارای سلامت روان بوده و از بزهکاری آنان ممانعت به عمل می‌آید. ورزش به اظهار و بیان «خود» کمک می‌کند و مجموعه این عاملها سلامت عاطفی را در پی دارد (۱۱).

مروری بر تحقیقات پیشین

در کشورهای اروپای شرقی به ویژه دوره سلطه اتحاد شوروی، به سبب اهمیت نقش جامعه‌پذیری از طریق ورزش و حفظ قدرت، این موضوع با جدیت تمام بررسی شد. حاصل آن، دو اثر از استپووی^۱ و کرازویک^۲ در زمینه اجتماعی شدن از طریق ورزش شد. قبل از المپاد مونیخ در سال ۱۹۷۲ در کنفرانس علمی، موضوع نوع اجتماعی شدن از رهگذر ورزش مورد بررسی شرکت‌کنندگان قرار گرفت. کارل دیم^۳ در آلمان، جامعه‌شناسی فرانسوی بویه^۴ و تیوان^۵ در کانادا، در تحقیقات خود بر نقش مثبت ورزش در جامعه‌پذیری صحنه‌گذارند. فرهنگ بدنی عامل مهمی در اجتماعی شدن شخصیت فرد به شمار می‌رود (۱). گلوور اشاره می‌کند، دانشجویان در کلاسها

1. Stepovoi
2. Krawczyk
3. K.Diem
4. M. Bouet
5. Teevan

گوينده يا نويسنده، ديدگاه و گرايشهاي وي است (۲). مهم‌ترين مفاهيم در اين تحقيق، نوع رشته دانشگاهي و هم‌پژوهي است. هم‌پژوهي عبارت از پژوهشهاي مشترک انديشمندان و پژوهشگران حوزه‌هاي متفاوت علمي است (۴). واحد سنجش، مقاله است که بر اساس تعداد نويسنده به گروه مقاله‌ها با يک نويسنده، دو نويسنده و غيره طبقه‌بندي مي‌شوند. در اين قسمت، فصلنامه‌هاي تخصصي «نامه علوم اجتماعي» و «تحقيقات علوم اقتصادي» دانشگاه تهران، با فصلنامه تخصصي «حرکت» معلق به دانشکده تربيت بدني دانشگاه تهران به همراه مجله «المپيک» فصلنامه تخصصي کميته ملي المپيک و فصلنامه «علوم ورزشي و حرکتي» فصلنامه تخصصي دانشکده تربيت بدني دانشگاه تربيت معلم تهران از نظر ميزان هم‌پژوهي با يکديگر مقايسه مي‌شوند.

نمونه‌گيري در تحليل محتوا به اقتضاي مسئله، مورد بررسي صورت مي‌گيرد (۲). مقايسه بين فصلنامه‌هاي تخصصي، نشان از روند هماهنگ دارد. به عبارت ديگر، اگر هم‌پژوهي اندک است در طول چند دهه همين روند ادامه ميابد و بالعکس. بنا بر اين، فصلنامه‌هاي انتخاب شده اند که در دهه ۷۰ و ابتدای دهه ۸۰ هجري شمسي چاپ شده‌اند. در خصوص اعتبار و روايي ابزار اندازه‌گيري در تحليل محتوا، لازم به ذکر است که به دليل امتياز بهره‌گيري از منابع دست دومي که محقق توليد نکرده است. کمتر مي‌توان در مورد اعتبار و اعتماد و ارتباط داده‌ها ترديد کرد (۸).

مقالتي که دو نويسنده دارد، احتمال دارد که شامل نام استاد راهنما و دانشجو باشد. از آنجا که اين مورد براي فصلنامه‌ها صادق است و فراوانها به صورت درصد در نظر گرفته مي‌شوند، خدشه‌اي به مقايسه وارد نمي‌آورد، زيرا رقم بالايي را به طور يکسان براي همه نشان مي‌دهد. اطلاعات حاصل، از طريق نرم‌افزار آماري SPSS تحليل مي‌شوند.

ارائه جدول توزيع آماري از عناوين کتابهاي منتشر شده از سازمان سمت در سال ۱۳۸۰، به مقايسه ۱۹ عنوان از رشته‌هاي علوم انساني مي‌پردازد. نتيجه نشان مي‌دهد که بيشترين ميزان هم‌پژوهي به رشته تربيت بدني (۷۷٪) اختصاص دارد. پس از آن الهيات (۴۰٪)، زبان فرانسه (۴۲٪)، زبان و ادبيات انگليسي (۲۹٪)، مديريت و حسابداري (۳۳٪)، تاريخ (۲۵٪) و روان‌شناسي (۱۸٪) بيشترين ميزان هم‌پژوهي را دارند. حاصل تحقيق گوياي انجام کار گروهي قابل توجه دانش‌آموختگان تربيت بدني در توليد علمي است. هماهنگي، همکاري، هم‌انديشي، شاخص عمده تعميم مسؤليت و نشانه بارز عقلايت به شمار مي‌روند. از طرف ديگر، مقايسه آمار و ارقام مربوطه به توزيع مقالات چند نويسنده در ۲۲ دانشگاه نوردک در سال ۱۹۹۷ نشان مي‌دهد، رشته‌هاي علمي که آموزش آنان بيشتر علمي و گروهي است، هم‌پژوهي بيشترى دارند. به ترتيب پزشکی باليني (۵۲/۲٪)، فزيک (۲۰/۳۷٪)، بيومديسين (۹/۳۳٪)، زمين‌شناسي (۴/۹۶٪)، شيمي (۴/۴٪) و زويت‌شناسي (۳/۳۲٪) بيشترين ميزان هم‌پژوهي را نشان داده‌اند (۴).

بر اساس آنچه در نظريه‌ها و تحقيقات پيشين آمد، سئوالهاي اصلي تحقيق عبارتند از: آيا بين رشته تحصيلي تربيت بدني و غيرتربيت بدني همچون اقتصاد و جامعه‌شناسي از نظر ميزان هم‌پژوهي به عنوان شاخص جامعه‌پذيري تفاوتی وجود دارد؟ آيا اين تفاوت از نظر ميزان تحصيلات و جنسيت نیز معنا دار است؟

روش شناسی تحقيق

روش تحقيق براي مقايسه هم‌پژوهي، «تحليل محتوای متون» است. منظور از تحليل محتوا، شناخت سيستماتيک خصوصيات زباني يک متن به طور واقع بينانه يا عيني است و استنتاج درباره مسائل غيرزباني براي شناخت خصوصيات فردي، اجتماعي

تجزیه و تحلیل داده‌ها

جدول ۱. فراوانی مجله‌ها و مقاله‌های مورد تحلیل

مجله	تعداد مجله	تعداد مقاله (تألیفی)
تحقیقات علوم اجتماعی	۴۷	۲۷۸
نامه علوم اجتماعی	۱۸	۱۲۵
المپیک	۲۶	۲۲۲
حرکت	۲۰	۱۸۰
علوم ورزشی و حرکتی	۳	۲۶
جمع	۱۱۴	۹۳۱

دو نکته حاصل از جدول ۲، یکی در مورد فقدان هم‌پژوهی چهارنفری و پنج‌نفری است که وجه ممیز مقالات فصلنامه‌های ورزشی و غیر ورزشی است. نکته دوم، تعداد مقاله‌های یک‌نفری است که در مورد فصلنامه‌های غیرورزشی مشهود است. این تفاوت در مورد فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی مشهودتر است. مقایسه فراوانیها بین جدول دو گروه مجله تخصصی ورزشی و غیرورزشی نشان می‌دهد که نویسندگان غیرورزشی فاقد مقاله‌های با بیش از سه نفر نویسنده هستند. مقاله‌های یک نفره به ویژه در مورد مردان، بیشترین فراوانی (بیش از ۷۰٪) را به خود اختصاص داده است و تعداد افرادی که دو نفره یا سه نفره مقاله نوشته‌اند، کاهش را نشان می‌دهد. درصد فراوانی مقاله سه نفری نیز به جز در مورد مردان در مجله المپیک، بالای ۲۳ درصد را به خود اختصاص داده است. اما آیا تفاوتها از نظر آماری نیز قابل قبول هستند؟ تفاوت هم‌پژوهی بین دو گروه فصلنامه از طریق آزمونهای آماری F و t استیودنت نشان می‌دهد که تفاوت میانگین مقاله‌های سه، چهار، پنج نفری

ملاحظه می‌شود که تعداد کل مقاله‌های هر فصلنامه، به جز دانشگاه خوارزمی (آغاز چاپ از سال ۱۳۸۱) از ۱۰۰ مورد بیشتر است. جمعاً ۱۱۴ جلد فصلنامه حاوی ۹۳۱ مقاله مورد مشاهده قرار گرفت. از بین مقالات مشاهده شده، مقاله‌های ترجمه از محاسبات کنار گذاشته شده‌اند.

جدول ۲. فراوانی میزان هم‌پژوهی به تفکیک مجله و تعداد

مجله	علوم اجتماعی		اقتصاد		المپیک		حرکت		علوم ورزشی و حرکتی	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
یک نفری	۱۵۶	۹۰٫۷	۱۹۶	۷۰٫۵	۱۲۸	۵۷٫۶	۶۷	۳۶	۵	۱۸٫۵
دو نفری	۱۳	۷٫۵	۷۵	۲۷	۳۹	۱۷٫۵	۵۱	۲۷	۱۰	۳۷
سه نفری	۳	۱٫۷	۷	۲٫۵	۳۶	۱۶٫۲	۴۵	۲۴	۷	۲۶
چهار نفری					۱۷	۷٫۶	۲۲	۱۱٫۷	۳	۱۱
پنج نفری					۲	۰٫۹	۲	۱	۱	۳٫۷
جمع	۱۷۲	۱۰۰	۲۷۸	۱۰۰	۲۲۲	۱۰۰	۱۸۷	۱۰۰	۲۷	۱۰۰

جدول ۳. هم‌پژوهی بر اساس جنسیت

مجله	علوم اجتماعی		اقتصاد		الهیات		حرکت		خورشیدی	
	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد
تعداد	۸	۱۵۸	۲	۱۹۴	۱۳	۱۲۵	۷	۶۰	۱	۳
درصد	۶۱/۵	۹۲	۱۶/۷	۷۰/۲	۲۹/۵	۶۰/۶	۱۷/۹	۳۴/۵	۹	۱۲/۵
تعداد	۲	۱۱	۹	۷۵	۱۲	۶۹	۱۵	۴۹	۴	۱۱
درصد	۱۵/۳	۶/۷	۷۵	۲۷	۲۷/۳	۱۶/۳	۳۸/۴	۲۸	۳۶/۳	۴۵/۸
تعداد	۳	۲	۱	۷	۱۳	۳۶	۱۴	۴۲	۵	۶
درصد	۲۲	۱/۲	۸/۳	۲/۵	۲۹/۵	۱۵	۳۵/۹	۲۴	۲۲/۴	۳۵
تعداد					۴	۱۷	۲	۲۲	۱	۳
درصد					۹	۷/۱	۵	۱۷/۶	۹	۱۲/۵
تعداد					۲	۲	۱	۰/۵	۱	۱
درصد					۴/۲	۰/۸	۲/۵	۰/۵	۱	۴
تعداد	۱۲	۱۰۰	۱۲	۲۷۶	۴۴	۳۳۹	۳۹	۱۷۴	۱۱	۲۴
درصد	۱۰۰	۱۷۵	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

بین دو جامعه با اطمینان ۹۵ درصد معنا دار است. مقاله‌های یک نفره بین دو گروه تفاوت معنادار را نشان نمی‌دهد. مقاله‌های دو نفری نیز از نظر آماری بین دو گروه تفاوت معنادار را نشان نمی‌دهد، زیرا در هر دو گروه مقاله‌هایی وجود دارد که اصل پایان‌نامه دانشجویان و استاد راهنماست و لاجرم میزان هم‌پژوهی را در بخش مقاله‌های دونفری برای هر دو گروه بالا نشان می‌دهد. بنابراین، برابری میانگینهای دو گروه برای متغیر مقاله‌های دونفری خدشه‌ای به معناداری تفاوت میانگین دو جامعه از نظر هم‌پژوهی وارد نمی‌آورد. زیرا طبق موضوع اصلی تحقیق، نتیجه حاصل از آزمون مقاله‌های با بیش از دو نویسنده، بهتر بیانگر کار گروهی در گروه نویسندگان دانش‌آموخته رشته تربیت بدنی است. مقایسه میانگین و آزمون t استیودنت، در کل مشارکت بیشتر زنان را در هم‌پژوهیهای ۴ نفری تأیید می‌کند، اما با مقایسه زنان در حوزه تربیت بدنی و غیر تربیت بدنی تفاوت بیشتر می‌شود. زنان در گروههای سه و چهارنفری بیش از زنان گروه علوم انسانی هم‌پژوهی را نشان می‌دهند. جدول ۴، میزان هم‌پژوهی را بر اساس میزان تحصیلات نشان می‌دهد. در همه گروهها و در مقطع دکترا بیش از ۴۶ درصد از نویسندگان فاقد هم‌نویسی هستند. این رقم برای گروه علوم اجتماعی ۸۶ درصد است. در مورد مقاله‌های سه نفره، تعداد افراد فوق لیسانس نسبت به دکترا بیشتر است. در صورتی که درصد مقاله‌های تک نویسنده مجله‌های ورزشی از ۳۰ درصد فراتر نمی‌رود. این درصد برای نویسندگان دارای مدرک دکترا و فوق لیسانس به جز در مورد مجله علوم ورزشی و حرکتی، نزدیک به یکدیگر است. در

جدول ۴. هم‌پژوهی به تفکیک میزان تحصیلات

مجله	تحصیلات		علوم اجتماعی				اقتصاد				المبیک				حرکت				علوم ورزشی و حرکتی					
	تعداد	درصد	دکتر	تعداد	درصد	فوق لیسانس	تعداد	درصد	فوق لیسانس	تعداد	درصد	دکتر	تعداد	درصد	فوق لیسانس	تعداد	درصد	دکتر	تعداد	درصد	فوق لیسانس	تعداد	درصد	
نفر ۱	۱۱۶	۸۶٫۵	۳۸	۷۶	۲۶٫۸	۳۱	۲۳٫۵	۶۵	۲۸٫۳	۴۵	۳۰	۴۲	۱۶٫۴	۲۲	۱۵٫۸	۴	۱۲	۱	۲۹	۲۹	۱۲	۳۳٫۳	۱۱	۱۰٫۸
نفر ۲	۱۵	۱۱٫۲	۹	۱۸	۴۸٫۶	۸۹	۲۷٫۴	۳۹	۱۷	۲۶	۳۰	۵۵	۲۱٫۵	۴۷	۳۳٫۸	۸	۲۴٫۲	۱۰	۲۹	۲۹	۱۰	۲۴٫۲	۸	۳۳٫۸
نفر ۳	۳	۲٫۲	۳	۶	۴٫۶	۱۲	۹٫۱	۶۶	۲۸٫۷	۴۳	۲۸	۸۳	۳۲٫۴	۵۱	۳۶٫۷	۹	۲۷٫۲	۷	۲۹	۲۹	۷	۲۷٫۲	۹	۳۶٫۷
نفر ۴								۵۰	۲۱٫۷	۱۸	۱۱٫۸	۷۰	۲۷٫۳	۱۵	۱۰٫۸	۱۱	۳۳٫۳	۳	۱۲	۱۲	۳	۳۳٫۳	۱۱	۱۰٫۸
نفر ۵								۱۰	۴٫۳			۶	۲٫۳	۴	۲٫۹	۱	۳	۲	۱۲	۱۲	۲	۳	۱	۲٫۹
جمع	۱۳۴	۱۰۰	۵۲	۱۰۰	۱۷۵	۱۳۲	۱۰۰	۲۳۰	۱۰۰	۱۵۳	۱۰۰	۲۵۶	۱۰۰	۱۳۹	۱۰۰	۳۳	۱۰۰	۲۴	۱۰۰	۲۴	۲۴	۳۳	۱۰۰	

گروه مقاله‌های دارای چهار نویسنده، نسبت نویسندگان دارای مدرک دکترا نسبت به نوق لیسانس بیشتر می‌شود. مقالات با چهار نویسنده به جز در مورد مجله علوم ورزشی و حرکتی، در مورد مجله المبیک و حرکت نیز صادق است. بنابراین، درصدها در چند مورد پراکندگی را نشان می‌دهد، اما افرادی که دارای مدرک دکترا هستند هم‌پژوهی بیشتری را نیز نشان می‌دهند، به ویژه در گروه‌های چهار نفری. نتیجه این است که تفاوت زیادی میان هم‌پژوهی مجله‌های گروه تربیت بدنی و غیرتربیت بدنی وجود دارد، اما این تفاوت بین مقاطع دکترا و فوق لیسانس محسوس نیست. آزمون F و t استیودنت نیز معناداری این تفاوت را در سطح ۹۵ درصد اطمینان تأیید نمی‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

نیکسون و فرای بین دو نوع «جامعه‌پذیری در درون ورزش» و «جامعه‌پذیری از طریق ورزش» تمایز قائل شدند. جامعه‌پذیری از طریق ورزش، بهبود مهارت‌های اجتماعی و احساس هویت را در پی دارد. تأثیر مثبت هویت و مهارت‌های اجتماعی، به محیط اجتماعی وسیع‌تر و موقعیت‌های اجتماعی متنوع‌تر ورزشکاران منتقل می‌شود. بنابراین، برای مشارکت در فعالیت‌های گروهی و جمعی از خود توانمندی بالاتری را نشان می‌دهند. نتایج حاصل از تحقیق حاضر نشان می‌دهند که دانش‌آموختگان رشته‌های تربیت بدنی حتی در تولید جمعی و گروهی علم نیز از مهارت‌های اجتماعی بالاتری برخوردارند. تولید گروهی علم و دانش در بین دانش‌آموختگان تربیت بدنی بیش از دو رشته علوم انسانی

تربیت بدنی بیش از زنان غیرتربیت بدنی هم پژوهی نشان می‌دهند. رابطه بین میزان تحصیلات و هم‌پژوهی نیز نشان می‌دهد، تحصیلات در مقطع فوق لیسانس فرصت کافی برای جامعه‌پذیری از طریق ورزش ایجاد می‌کند و هر دو گروه دکترا و فوق لیسانس نسبت به رشته‌های غیرورزشی از توان مشارکت و مهارت اجتماعی بالایی برخوردارند. بنابراین، انجام فعالیت‌های ورزشی به واسطه افزایش مهارت‌های اجتماعی و مشارکت‌پذیری، به باروری بیشتر حیات جمعی و اجتماعی می‌انجامد.

غیرتربیت بدنی است. در صورتی که انتظار می‌رود، این دسته از علوم انسانی به خصوص علوم اجتماعی، به سبب شناخت بیشتر نسبت به جامعه، رفتارها و فرآیندهای اجتماعی هم‌پژوهی و تولید گروهی علمی بهتری داشته باشند. در خصوص احساس هویت نتیجه نشان می‌دهد، زنانی که در تولید علم مشارکت دارند، بیش از مردان احساس هویت می‌کنند، زیرا در مقایسه با کل تولیداتی که زنان در آن سهم داشته‌اند، آنها بیش از مردان هم‌پژوهی نشان داده‌اند. این میزان با وارد کردن متغیر ورزش افزایش می‌یابد و زنان گروه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

۱. انورالخولی، امین الشیخ، (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی ورزش، ترجمه: حمیدرضا شیخی، چاپ اول، تهران، سمت، ۱۴، ۲۰۲-۲۰۱، ۱۹۷، ۲۰۰.
۲. رفیع پور، فرامرز، (۱۳۸۲)، تکنیکهای خاص تحقیق در علوم اجتماعی، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۲۰، ۱۰۹.
۳. صداقت‌زادگان، شهناز، (۱۳۷۷)، عوامل مؤثر بر جامعه‌پذیری با تأکید بر جامعه‌پذیری و پایگاه اقتصادی-اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی، ۱۹۴.
۴. صدیق سروستانی، رحمت‌الله، (۱۳۸۰)، هم‌پژوهی و هم‌نویسی در ایران، نامه علوم اجتماعی دانشگاه تهران، شماره ۱۸: ۱۰۳ تا ۱۲۱.
۵. مزینی، هدی، (۱۳۷۴)، بررسی میزان پراکندگی افسردگی در دو گروه دانشجویان دختر ورزشکار و غیرورزشکار دانشگاه سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی: ۱۵۸ تا ۱۵۹.
6. Anderson Dean. F. and Gregory P. Stone. (1981). Sport; A search for community. Gregory P. Ston. Sociology of Sport, Perspective. Susan L. Greender, Andrew Yiannkis. USA: Liesure Press. 165.
7. Bailey C. Ian. (1981). Sport and exchange theory, Sociology of Sport, Perspective. Susan Greendorger, Andrew Yiannkis. USA: Liesure Press. 33.
8. Coakly, Joy. (2001). Sport in Society, Issues and Controversies. 7th edition. USA: Ma Graw Hill. 9, 16, 82, 83, 86.
9. Douglas, Mary. (1996). Natural Symbols, exploration in cosomology 4th edition. London and New York: Routledge. 54.
10. Glover, Donald R. Ligh Ann Anderson (2003). Character Education, 43 Fitness activities for community building, USA: Human Kinetics.
11. Martines, Rainer (1975) Social Psychology and Physical Activity, USA: Harper and Row. 103.
12. Nixon II, Howard L., James H. Fray. (1996). A Sociology of Sport USA; Wodsworth. 78-82, 89, 78, 301, 302.
13. Saje, George H. (1981). Sport Sociology, Normative and Non Normative arguments: Playing the... in Sociology of Sport. Susan L. Greendorfer, Andrew Yiannakis. USA: Liesure Press. 7,11.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی